

[بررسی مجوزیت خوف ضرر برای عدم رعایت قیام 1](#_Toc91599727)

[کلام محقق داماد مبنی بر صحت عبادات ضرری 1](#_Toc91599728)

[بررسی مشکله لزوم یا عدم لزوم قضای نماز های سابق ضرری 2](#_Toc91599729)

[شبهه در بطلان أعمال ضرری سابق 4](#_Toc91599730)

[وجه دیگری برای تصحیح أعمال سابق مریض 6](#_Toc91599731)

**موضوع**: خوف از ضرر /قیام /صلاه

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه گذشته مسئله خوف از ضرر مطرح گشت و سپس بحث صحت اعمال سابقه ضرری مطرح گردید که در این جلسه به تفصیل در این باره بحث می شود.

# بررسی مجوزیت خوف ضرر برای عدم رعایت قیام

بحث در این بود که اگر مریض که نماز ایستاده برایش ضرر دارد، و به او گفته اند المریض یصلی جالسا، بیاید نماز ایستاده بخواند، آیا این نماز صحیح است یا خیر؟

## کلام محقق داماد مبنی بر صحت عبادات ضرری

محقق داماد فرمودند که این خطاب چون در مقام توهم حظر است، ظهور در تحریم ندارد و سیره اهل بیت نیز اینطور بوده است. فرموده اند: نه ضرر و نه خوف، مشروعیت نماز ایستاده را رفع نمی کند، بلکه صرفا وجوب آن را مرتفع می سازد. دلیل ایشان روایاتی است که در مورد حضرت زهرا سلام الله علیها وارد شده است که ایشان آنقدر به نمازمی ایستادند که قدم های مبارکشان ورم می کرد. یا در مورد امام سجاد علیه السلام وارد شده است که پیشانی ایشان پینه بسته بود و با چاقوی جراحی پینه ایشان را بریدند، سفرهایی پیاده به حج می رفتند و بدنشان زخمی می شد، سپس می فرمایند: سیره نیز همین بوده است و این نوع ضرر ها هیچ گاه رافع مشروعیت نیست.

**فرمایش ایشان به نظر ما روشن نیست**؛ اینطورنبود که عرف از این عبادات مذکور در سیره اهل بیت، ضرر آنی استفاده کند. اینطور نبود که اگر امام نماز می خواند چشم مبارکشان مشکل پیدا کرده باشد و امام بی اعتناء به حرف پزشک ایستاده باشند و بخوانند. چنین چیزی نداشتیم. اینکه انسان به مرور زمان عبادت کنند پاهایش متورم می شود، پیشانی اش پینه می زند، این ضرری که در المریض یصلی جالسا معتبر است یا آن ضرری که منشأ می شود انسان نماز اختیاری را ترک کند و به سمت نماز اضطراری برود نیست. شما به مرور زمان چای هم بخورید، ممکن است یک اثر سوئی داشته باشد. برخی از غذا ها نیز چنین هستند که به مرور زمان اثر سوئی ممکن است داشته باشند. اینطور نیست که ناگهان پیش بیاید. تورم قدم چیزی است که گاهی تورم پیدا می کند و بعد خوب می شود. اینطور نیست که خدایی نکرده عفونت پیدا کند و بیماری پیدا کند؛ لذا عرف به آن ضرر معتنی به نمی گوید. اینکه سه روز افطار فقط آب می خوردند، با اینکه سخت است ولی ضرر نیست. آب درمانی الان نیز یک شیوه رایج است، سختی زیاد دارد، ولی ضرری نبوده است. نکته اینکه اهل بیت سه شبانه روز غذایشان را به یتیم و اسیر و مسکین دادند، نکته ایثار است که سختی را به جان خریدند تا یتیم و اسیر و مسکین از خانه ناامید بر نگردند. خود حسنین علیهما السلام اینطور خواستند و مجبور نیز نبودند.

اما اینکه ایشان فرمودند المریض یصلی جالسا ظهور در وجوب تعیینی ندارند، ما نمی دانیم فرق آن با «من کان مریضا فعدۀ من ایام أخر» چیست؟ در آن آیه افطار بر مریض را واجب می دانند و اینطور نیست که صرفا جایز بدانند. در مقام نیز همینطور است. ظاهر آیه این است که تقسیم می کند که اگر کسی سالم است بخواند و اگر کسی مریض است، بعدا قضاء کند. اینجا نیز مکلفین را تقسیم می کنند که صحیح قیامی بخواند و مریض نشسته بخواند. این مقام مقام توهم حظر نیست بلکه مقام جعل به وظیفه است. جعل به وظیفه مریض اینچنین است که نشسته بخواند؛ لذا وجهی ندارد که از ظهور تعینیی آن صرف نظر کنیم.

### بررسی مشکله لزوم یا عدم لزوم قضای نماز های سابق ضرری

 این مطلب که گفتیم ظهور در جعل وظیفه تعیینی دارد، لازمه ای داشت که اگر کسی مریض بود و مدت ها در حال مرض نماز ایستاده خواند و خودش خبر نداشت، بعد دکتر می گوید که تمام نماز ها را به صورت ضرری و مرض خوانده ای و الان داری فلج می شوی. محقق خویی فرموده است که نماز ها باید اعاده شود؛ زیرا ظاهر المریض یصلی جالسا چنین است. البته محقق خویی اینجا در این بحث چیزی نفرموده اند. این فرع در جاهای دیگر مثل صوم و وضو مطرح شده است:

1. در صوم صاحب عروه مطرح کرده که اگر مکلف به زعم عدم ضرر روزه بگیرد و بعد کشف شود که ضرر داشته است در صحت آن اشکال است؛ لذا احتیاط واجب این است که روزه را قضاء کند:

« لو صام بزعم عدم الضرر فبان الخلاف بعد الفراغ من الصوم ففي الصحة إشكال فلا يترك الاحتياط بالقضاء»[[1]](#footnote-1)

. محقق خویی در منهاج بر خلاف مبانی خود فرموده اند که احتیاط به قضاء ندارد:

«إذا صام لاعتقاد عدم الضرر فبان الخلاف فالظاهر صحة صومه، نعم إذا كان الضرر بحدّ يحرم ارتكابه مع العلم، ففي صحة صومه إشكال»[[2]](#footnote-2)

 اگر اضرار محرم است از باب اجتماع امر و نهی صوم وی اشکال پیدا می کند ولی در غیر اینصورت صحیح است، این خلاف مبنای ایشان است زیرا در موسوعه ج 21 ص 497 ایشان می گوید که باید فتوا به بطلان صوم داد:

«لا وجه للحكم بصحّة صوم المريض بمجرّد اعتقاد عدم الضرر، بل لا بدّ إمّا من الحكم بالبطلان جزماً، أو لا أقلّ‌ من الاحتياط اللزومي كما صنعه في المتن»[[3]](#footnote-3)

مرحوم امام نیز فرموده اند که فتوا به بطلان روزه می دهیم. این شخص بیچاره یک ماه روزه گرفته است، حال بعد از رمضان دکتر می گوید که این روزه ها را نباید می گرفتی و ضرر داشته است. باید زمستان روزه بگیری که راحت تر است. امام می فرماید تمام آن روزه ها باید قضائ شود. تعبیر ایشان چنین است: «عدم الصحۀ لایخلوا من قوۀ»[[4]](#footnote-4).

گرچه خیلی از بزرگان مانند محقق عراقی،‌ مرحوم حاج شیخ محمدرضا آل‌یاسین، مرحوم حاج شیخ علی جواهری، مرحوم آقای حکیم،‌ مرحوم آسید عبدالهادی شیرازی فرموده اند که روزه صحیح است.[[5]](#footnote-5)

 بنابراین در این مورد عده ای از بزرگان فرموده اند که چون «من کان مریضا أو علی سفر فعدۀ من ایام أخر» شامل این شخص می شده، پس روزه اش باطل است ولو اینکه جاهل به ضرر بوده است. ولی عده ای نیز فرموده اند صحیح است. حال کسانی که حکم به بطلان کرده اند مثل امام و محقق خویی و سید یزدی که احتیاط واجب کرد، آیا در بحث نماز نشسته برای مریض نیز همین را می گویند؟ ظاهرش این است که باید بگویند و تفاوتی بین دو مسئله نیست.

1. مورد دوم مسئله 19 از فصل تیمم است:

«و إذا توضّأ أو اغتسل باعتقاد عدم الضرر ثمّ‌ تبيّن وجوده صح»[[6]](#footnote-6)

سید در اینجا فرموده است وضو صحیح است. محقق سیستانی حاشیه زده اند که بعید نیست بطلان را قائل شویم: «لا يبعد البطلان».[[7]](#footnote-7) محقق خویی حاشیه نزده اند؛ زیرا ایشان وضوی ضرری را اگر به حد اضرار محرم نرسد، صحیح می داند، از باب اینکه دلیل استحباب وضو شاملش می شود. طبق نظر ایشان آیه «و ان کنتم مرضی فلم تجدوا ماءا فتیمموا» به قرینه «فلم تجدوا» یعنی «و ان کنتم مرضی فلم تقدروا علی الوضوء»، مریضی قادر نیست بر وضوء که اگر وضو بگیرد اضرار محرم پیش بیاید، ولی محقق سیستانی کما هو الحق می فرمایند که «فلم تجدوا ماء» به مرضی نمی خورد. این ها قید ما بعد است. اصلا عرفی نیست بگویند اگر بیمار بودید پس آب نداشتید، بیمار که آب دارد معمولا، این‌ها قید مابعد است، «و ان کنتم مرضی» قیدی ندارد، «او علی سفر او جاء احدکم منکم من الغائط او لامستم النساء»، این چند مورد فلم تجدوا ماء است. وقتی گفت «ان کنتم مرضی فتیمموا» تقسیم قاطع شرکت است. مریض باید تیمم کند؛ لذا اگر وضو گرفت و گفت نمی دانستم، گفته می شود نماز شما بی طهارت بوده است؛ چون فتیمموا ظاهر در وجوب تعیینی است؛ لذا آیت الله سیستانی بطلان را بعید ندانسته اند.

سوال می شود که پس ادله استحباب نفسی وضو چه می شود؟ جواب می دهیم که دلیل «إن کنتم مرضی فتیمموا» أخص از ادله استحباب نفسی وضو است. محقق خوئی می‌گویند «و ان کنتم مرضی فتیمموا» به قرینه «فلم تجدوا ماء» شامل اضرار غیر محرم نمی‌شود؛ چرا که «فلم تجدوا ماء» قید «و ان کنتم مرضی» است؛ یعنی فلم تتمکنوا من استعمال الماء شرعا. ایشان می فرماید اضرار غیر محرم به دلیل لاضرر رافع وجوب وضو است، لکن دلیل لاضرر استحباب ها را رفع نمی کند، علاوه بر اینکه دلیل لاضرر امتنانی است و اگر بخواهد در فرضی که شخص از روی جهل وضو گرفته است را شامل شود، خلاف امتنان می شود؛ زیرا لازمه ی جریان لاضرر این است که دوباره نماز ها را قضاء کند. ما مثل محقق سیستانی می گوییم که کاری به لاضرر نداریم و در جمله «إن کنتم مرضی فتیمموا» تقسیم قاطع شرکت است.

حال با این بیان ها در محل بحث نیز که نماز قیامی با ضرر است، باید گفته شود که نماز باطل است.

### شبهه در بطلان أعمال ضرری سابق

حال بعد از بیان این مطالب می گوییم که ما یک شبهه ای داریم که باعث می شود جازم به بطلان صوم در فرض ضرر، یا بطلان نماز قیامی نشویم، و آن این است که ظاهر دلیل این است که نکته امتنان است. آیه می گوید «یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر» با اینکه قبول داریم که روایت مطلق نیز در مسئله وجود دارد، ولی ظاهرش این است که این ها بیانگر آیه هستند و آیه نیز از باب امتنان مطرح شده است. این مطلب ما یصلح للقرینیه است که مریضی که به خاطر جهل به موضوع، روزه ضرری گرفته یا نماز قیامی خوانده است، نمازش باطل نباشد. بنابراین با وجود این ما یصلح للقرینیه، اطلاق گیری مشکل است.[[8]](#footnote-8) بنابراین به نظر ما مطلقات در روایات نیز ظاهرش این است که زیرمجموعه این آیه است. یعنی این آیه آنقدر مشهور بوده که روایات نیز تحت آن قرار می گرفتند، شبیه قرینه متصله نسبت به آن واقع شده اند. آیات قرآن در ذهن متشرعه وجود داشته است. با وجود اینکه آیه را همه می خواندند و مأنوس با آیات بودند و در حدی بود که با این آیات مرتکز متشرعه شکل می گرفت. با این وجود اطلاق گیری از روایات مشکل است.

در مورد تیمم آیه چنین دارد که ﴿ وَ إِنْ كُنْتُمْ جُنُباً فَاطَّهَّرُوا وَ إِنْ كُنْتُمْ مَرْضى‏ أَوْ عَلى‏ سَفَرٍ أَوْ جاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغائِطِ أَوْ لامَسْتُمُ النِّساءَ فَلَمْ تَجِدُوا ماءً فَتَيَمَّمُوا صَعيداً طَيِّباً فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَ أَيْديكُمْ مِنْهُ ما يُريدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَ لكِنْ يُريدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَ لِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ این احکام برای این نیست که شما ر ابه سختی بیندازیم، برای این است که شما را تطهیر کنیم، یعنی در کنار این بحث وضو و غسل و تیمم، بحث عدم اراده ایقاع در حرج را مطرح کرده است. این نکته ما یصلح للقرینیه است. دیگر اطلاق ندارد که «و ان کنتم مرضی فتیمموا» نسبت به کسی که از روی جهل عمل کرد، بگوییم خلاف وظیفه عمل کرده است. دقت شود ما فعلا در مقام استدلال به این آیه برای قاعده لاحرج نیستیم، ما به عنوان یک شبهه داریم این نکته را مطرح می کنیم که روایات زیرمجموعه این آیه است که وشبهه دارد که بگوییم نماز و اعمال گذشته باطل است. ما یصلح للقرینیه داریم که وجوب تعیینی تیمم بر شخص به طوری که اگر تیمم نکند،نماز های گذشته اش باطل بوده باشد، محرز نیست.

راجع به «المریض یصلی جالسا» نیز ممکن است کسی بگوید که در ذیل موثقه سماعۀ چنین آمده بود :

« مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرِيضِ لَا يَسْتَطِيعُ الْجُلُوسَ قَالَ فَلْيُصَلِّ وَ هُوَ مُضْطَجِعٌ وَ لْيَضَعْ عَلَى جَبْهَتِهِ شَيْئاً إِذَا سَجَدَ فَإِنَّهُ يُجْزِي عَنْهُ وَ لَنْ يُكَلِّفَهُ اللَّهُ مَا لَا طَاقَةَ لَهُ بِهِ».[[9]](#footnote-9)

دلیل می آورد که خداوند چیزی که توان عرفی بر آن نیست را تحمیل نمی کند. سیاق این روایت سیاق امتنان است؛ لذا جای این را دارد که فقیه فتوا به بطلان نماز هایی که ایستاده خوانده شده است را ندهد.

**سوال می شود که** آیا می توان به اطلاق مقامی روایتی که شخصی را غسل داده بودند و از دنیا رفته بود، تسمک کرد و گفت که امام علیه السلام امر به قضای نماز های او نکردند و کاشف از صحت نماز های سابق است؟ روایت چنین است:

«عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُكَيْنٍ وَ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قِيلَ لَهُ إِنَّ فُلَاناً أَصَابَتْهُ جَنَابَةٌ وَ هُوَ مَجْدُورٌ فَغَسَّلُوهُ فَمَاتَ فَقَالَ قَتَلُوهُ أَلَّا سَأَلُوا أَلَّا يَمَّمُوهُ إِنَّ شِفَاءَ الْعِيِّ السُّؤَالُ قَالَ وَ رُوِيَ ذَلِكَ فِي الْكَسِيرِ وَ الْمَبْطُونِ يَتَيَمَّمُ وَ لَا يَغْتَسِلُ»[[10]](#footnote-10)

جواب این است که خیر نمی توان تمسک کرد؛ زیرا وقتی شخص از دنیا رفته است و امام آن ها را توبیخ می کند که چرا غسل داده اید، دیگر در مقام بیان نبوده است تا از سکوت امام علیه السلام نسبت به قضاء نماز ها، عدم وجوب قضاء ها و صحت أعمال گذشته را استفاده کنیم. امام صرفا در مقام توبیخ این غسل کنندگان است.

خلاصه عرض ما این شدکه فتوا به بطلان اعمال سابقه مشکل است؛ یعنی جای این است که کسی به مقتضای صناعت، برائت از وجوب قضاء استفاده کند. البته در «المریض یصلی جالسا» امر اصعب است، ولی ما به صورت کلی به عنوان یمکن أن یقال گفتیم که ممکن است «لن یکلفه الله ما لا طاقۀ له به» را به عنوان علت بگیریم که عمومیت در موارد مختلف دارد. مثل محقق داماد که از این جمله علت برداشت کرده اند.

### وجه دیگری برای تصحیح أعمال سابق مریض

یک وجه دیگر نیز ممکن است برای تصحیح عمل مریض که عمل به وظیفه اختیاریه کرده و بعد فهمیده ضرر داشته، بیان شود. محقق خویی در یک بحثی فرموده است که موضوع امر اضطراری مرکب از خوف و ضرر واقعا است. ایشان در بحث تیمم فرموده است که که موضوع امر اضطراری دو جزء دارد که عبارتند از واقع الضرر و خوف الضرر، لذا اگر یکی باشد و دیگری نباشد وضو واجب است و تیمم واجب نیست[[11]](#footnote-11).

سوال می شود که چرا فقط در تیمم این مطلب را مطرح می کنید؟ در صوم نیز می توان این را مطرح کرد که موضوع وجوب افطار بر مریض، مریض مطلق نیست، بلکه مریض همراه با خوف ضرر است، اگر خوف ضرر نبود و مریض بود، این تمام الموضوع برای وجوب افطار نیست. در «المریض یصلی جالسا» نیز با اینکه کلمه مریض آمده است، ولی برخی روایات خوف را مطرح کرده بود، در این صورت می توان گفت در جلوس نیز موضوع مرکب از واقع الضرر و خوف الضرر باشد، حال اگر یکی بود و دیگری نبود، وظیفه شخص نماز اضطراری نیست و وظیفه اختیاری دارد. تنها در صورتی نماز اضطراری واجب خواهد بود که دو جزء ضرر واقعی و خوف ضرر محقق شود. طبعا اگر موضوع را مرکب گرفتیم با انتفای یکی از این دو جزء، وجوب نماز اضطراری منتفی می شود. بنابراین بیان محقق خویی در بحث تیمم، در صوم و نماز جلوسی نیز می تواند مطرح شود.

به نظر ما این نکته صحیح نیست؛ زیرا در مقابل این نکته که بگوییم موضوع مرکب از واقع الضرر و خوف الضرر است، می توان گفت که این بیان متعین نیست و دو احتمال دیگر نیز مطرح است که باید بررسی شود:

1. مطلبی که محقق خویی در کتاب الصوم مطرح فرموده است. ظاهر کلام ایشان در کتاب الصوم است و صریح عبارت مستمسک است که فرموده اند: واقع الضرر موضوع برای حکم واقعی به افطار است، خوف الضرر طریق محض است؛ مانند اماره که طریق است. بنابراین این یک احتمال است که موضوع مرکب نباشد. فقط یک حکم واقعی داریم که المریض یصلی جالسا است، یک حکم ظاهری نیز داریم که خوف از ضرر است.
2. احتمال دوم این است که گفته شود هر کدام موضوع مستقل هستند. واقع الضرر تمام الموضوع برای افطار در صوم یا تیمم در بحث وضو یا جلوس در بحث نماز است، ولی اطلاق دلیل دیگر که موضوع را خوف قرار داده است، آن هم می تواند تمام الموضوع باشد. «من خاف علی عینیه من الرمد أفطر» حال واقعا هم روزه بر او ضرر داشته باشد یا نداشته باشد، فرقی نمی کند. «إنی أخاف علیک اللص و السبع فصل علی الدابۀ» این نماز نماز اضطراری است و موضوع آن خوف است، أعم از اینکه در واقع نیز دزد یا درنده ای باشد یا نباشد.

به نظر ما اظهر همین احتمال اخیر است؛ زیرا وجهی ندارید که این دو خطاب به یکدیگر تقیید بخورند. دو خطاب داریم: یک خطاب می گوید که «من أضر به الصوم فلا یصوم» خطاب دیگر می گوید که «من خاف علی عینینه من الرمد» أفطر، دو موضوع مستقل برای افطار هستند. دلیل ندارید که یکی را حمل بر حکم ظاهری و دیگری را حمل بر واقعی کنیم. چه اشکالی دارد که خوف در خطاب تمام الموضوع باشد؟ با عنوان علم و تبین تفاوت می کند. در عنوان های علم و رویت و تبین، ظهور در طریقیت محضه دارند مثل «کلوا واشربوا حتی یتبین لکم الخیط الأبیض من الخیط الأسود من الفجر»، اما خوف ظهور در طریقیت محضه ندارد. عقلاء خوف را منجز و معذر نسبت به واقع می دانند، اما خوف ظهور در کاشفیت محضه ندارد. لذا خود محقق خویی در بحث وجوب جبیره ای طبق معتبره کلیب[[12]](#footnote-12)که می فرماید: الکسیر أو القریح إِنْ كَانَ يَتَخَوَّفُ عَلَى نَفْسِهِ فَلْيَمْسَحْ عَلَى جَبَائِرِهِ وَ لْيُصَلِّ، اگر یک شخصی استخوانش شکسته است، موضوع کسیر است نه توهم کسر، خوف دارد که متضرر شود، این خوف در حق کسیر تمام الموضوع است، ولو اینکه بعدا کشف شود که هیچ ضرری نداشته است[[13]](#footnote-13). انصافا این مطلب خوبی است که ایشان فرموده است و مناسب بود که جاهای دیگر نیز همینطور مشی کند.

لذا به نظر ما هم خوف ضرر برای انتقال به وظیفه اضطراری کافی است، هم واقع ضرر کفایت می کند. لذا اگر کسی نماز نشسته خواند و بعد دکتر گفت که چرا نماز نشسته خوانده ای، خوف شما وجهی نداشته است، اینجا لازم نیست که نماز ها را قضاء کند، زیرا خوف ضرر است که تمام الموضوع است.

حدیث لاتعاد نیز نمی تواند نماز را تصحیح کند؛ زیرا اخلال به ارکان شده است. اما جایی که حواسش نبود و نماز ایستاده خواند موثقه عمار می گوید که اگر تکبیر درحال قیام گفت نمازش باطل است؛ زیرا کسی که نماز نشسته بر وی واجب است باید نماز نشسته بخواند و اگر ایستاده بخواند، ولو از روی نسیان جهل، باید نماز را اعاده کند.

1. . العروه الوثقی، أعلام العصر، ج 2، ص 216. [↑](#footnote-ref-1)
2. . منهاج الصالحین (خویی)، جلد: ۱، صفحه: ۲۷۵. [↑](#footnote-ref-2)
3. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج21، ص497.](http://lib.eshia.ir/71334/21/497/%D8%A7%D9%84%D9%84%D8%B2%D9%88%D9%85%DB%8C) [↑](#footnote-ref-3)
4. . العروه الوثقی، أعلام العصر، ج 2، ص 216. [↑](#footnote-ref-4)
5. [العروة الوثقی (عده من فقهاء جامعه مدرسین)، السید محمد کاظم الطباطبائی الیزدی، ج3، ص616.](http://lib.eshia.ir/10027/3/616/%D8%A7%D9%84%D8%A7%D9%82%D9%88%DB%8C)« لأقوى صحّته لكون المقام من باب التزاحم غير المضرّ بصحّته كونه في صورة جهله بالمزاحم معذوراً. (آقا ضياء). أقواه الصحّة كما تقدّم. (آل ياسين). الأقوى فيه الصحّة و لا ينبغي ترك الاحتياط بالقضاء. (الجواهري). [↑](#footnote-ref-5)
6. . العروة الوثقی و التعلیقات علیها، جلد: ۵، صفحه: 358. [↑](#footnote-ref-6)
7. . همان. [↑](#footnote-ref-7)
8. . استاد فرمودند: در مورد مسافر که اصلا دلیل خاص داریم که حتی اگر جاهل به حکم و جاهل مقصر نیز باشد، نمازش صحیح است. [↑](#footnote-ref-8)
9. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج5، ص482، أبواب ، باب، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/5/482/%D8%B7%D8%A7%D9%82%DB%80%20%D9%84%D9%87) [↑](#footnote-ref-9)
10. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص68.](http://lib.eshia.ir/11005/3/68/%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%A8%D8%B7%D9%88%D9%86) [↑](#footnote-ref-10)
11. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج26، ص171.](http://lib.eshia.ir/71334/26/171/%D8%A7%D9%84%D8%B6%D8%B1%D8%B1) [↑](#footnote-ref-11)
12. . معتبرۀ کلیب اسدی چنین نقل می کند:

«عَنْهُ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ كُلَيْبٍ الْأَسَدِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّه‏ ع عَنِ الرَّجُلِ إِذَا كَانَ كَسِيراً كَيْفَ يَصْنَعُ بِالصَّلَاةِ قَالَ إِنْ كَانَ يَتَخَوَّفُ عَلَى نَفْسِهِ فَلْيَمْسَحْ عَلَى جَبَائِرِهِ وَ لْيُصَلِّ». [↑](#footnote-ref-12)
13. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج10، ص293.](http://lib.eshia.ir/71334/10/293/%D8%A7%D9%84%D8%B6%D8%B1%D8%B1) [↑](#footnote-ref-13)